تبیین نقش فقر اقتصادی و سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در تخریب مراتع (مطالعه موردی: منطقه حفاظت‌شده بیجار)

اصغر فرج‌اللهی[۱] و یاسر قاسمی آریان*[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

چکیده

تخریب مراتع، تحت تاثیر فقر اقتصادی و ضعف سرمایه‌های اجتماعی ساکنین روستایی طی سالیان اخیر شدت بیشتری یافته است. در همین راستا، تحقیق حاضر، با هدف تبیین نقش این دو مقوله مهم در تخریب مراتع منطقه حفاظت‌شده بیجار انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل ۱۱۲۴ خانوار روستایی ساکن در منطقه مذکور بوده که بر اساس فرمول کوکران ۲۸۷ خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب شده و به تناسب بین روستاها تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده که مشتمل بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد، دارایی‌های اقتصادی (درآمدها و هزینه‌های خانوار)، سرمایه‌های اجتماعی و مصادیق تخریب مرتع است. پس از تایید روایی با نظر متخصصان، پایایی پرسشنامه سرمایه‌های اجتماعی برابر ۰/۸۳ و پرسشنامه تخریب مراتع ۰/۷۹ به دست آمد که نشان از قابلیت اعتماد مناسب این پرسشنامه‌ها داشت. دیدگاه بهره‌برداران در ارتباط با مصادیق تخریب مرتع در سه بخش عوامل مربوط به دام و دامداری، قطع و برداشت، و تغییر کاربری مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های کای اسکوئر، t جفتی و ضریب همبستگی پیرسون با استفاده از نرم‌افزار $SPSS_{16}$ تحلیل شدند. به منظور تفکیک افراد فقیر و غیرفقیر، از خط فقر نسبی و برای محاسبه آن، از روش ۶۶ درصد میانگین کل هزینه ماهانه خانوار استفاده شد. مطابق نتایج تحقیق، خط فقر سرانه ۲۱۳۰۰۰ تومان برآورد شد. بنابراین، با توجه به مقایسه هزینه‌های کل ماهیانه با خط فقر، ۲۴/۷ درصد افراد زیر خط فقر و فقیر تشخیص داده شدند. میانگین سرمایه اجتماعی بهره‌برداران ۳/۱۲ برآورد شد که در حد متوسط می‌باشد. بین متغیرهای سن، بعد خانوار، درآمد خانوارها، سطح تحصیلات و شغل با فقر اقتصادی بهره‌برداران ارتباط آماری معناداری یافت شد. بر اساس دیدگاه بهره‌برداران، تبدیل مرتع به اراضی زراعی، چرای طولانی دام و رقابت در چرای دام با میانگین‌های ۴/۱۴، ۳/۶۲ و ۳/۲۴ به‌ترتیب مهم‌ترین علل تخریب مراتع در منطقه حفاظت‌شده بیجار هستند. با توجه به نتایج تحقیق، میانگین میزان تخریب مرتع به وسیله پاسخگویان فقیر به‌طور معناداری بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر بود. همچنین، از دیدگاه بهره‌برداران با سرمایه اجتماعی بیشتر، عوامل مربوط به دام و قطع و برداشت تاثیر بیشتری در تخریب مراتع داشته است. بین بهره‌برداران فقیر و غیرفقیر از لحاظ سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری یافت نشد هر چند که در پاسخگویان غیرفقیر تا حدودی میانگین سرمایه اجتماعی بیشتر بود. بنابراین با بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر اقتصادی و اجتماعی ساکنین روستایی می‌توان انتظار کاهش تخریب مراتع مناطق حفاظت‌شده بیجار را داشت.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اقتصادی، خط فقر، سرمایه اجتماعی، بهره‌برداران، تخریب مرتع، منطقه حفاظت‌شده بیجار.

[۱]- دکتری بیابان‌زدایی، گروه مرتعداری، دانشکده مرتع و آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.
[۲]- استادیار پژوهش، بخش تحقیقات بیابان، موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.
*: نویسنده مسئول: ghasemiaryan@ut.ac.ir

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

مقدمه

مراتع به عنوان بستر حیات و عامل توسعه کشورها همواره مورد توجه انسان‌ها بوده است اما در سالیان اخیر در مناطق زیادی از دنیا در مسیر تخریب و نابودی قرار دارد که نقش عامل انسانی و تحت تاثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل شناخته شده است (۲۰). تخریب مرتع واژه‌ای مانند بیابان‌زایی و در ارتباط با آن و حتی رایج‌تر از آن است و به روش‌های مختلفی تعریف شده است. در مواردی تخریب مرتع را با از دست رفتن بلندمدت و یا دائمی یک کالای اقتصادی برابر دانسته‌اند. بنابراین تخریب مرتع، افت دائمی در میزان تولید محصولات دامی از زمین تحت یک نظام مدیریت مفروض می‌باشد (۶). با توجه به بهره‌برداری‌ها و کاربردهای غیراصولی و نامناسب از عرصه منابع طبیعی، سالانه به میزان وسیعی تخریب به صورت کمی و کیفی انجام می‌گیرد. در عرصه مرتع بیشتر تخریب کمی خودنمایی می‌کند ولی در بخش جنگلی تخریب‌های انجام شده بیشتر جنبه کیفی و تنزل درجه کیفی جنگل را به همراه دارد (۲۱). فقر، واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی است که از دیرباز از بزرگ‌ترین مشکلات انسان بوده است و در حال حاضر نیز جامعه بشری، علیرغم تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های مختلف علوم روی داده است، با آن روبرو می‌باشد (۲۷). آنچه به عنوان تعریف فقر مادی می‌توان در نظر گرفت، عبارت از ناتوانی در کسب معاش و گذران زندگی روزمره است که با در نظر گرفتن درآمد سرانه و نابرابری در توزیع درآمد، دستیابی به وسعت و اندازه فقر محقق می‌شود (۱۶). فقر اجتماعی به صورت دارایی‌های اجتماعی انسان‌ها مانند سرمایه اجتماعی آنها و در کنار فقر اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. فقر با تبدیل و تغییر انگیزه‌های بقا به اعمال انسانی، شرایط تخریب محیطی و منابع طبیعی را فراهم می‌آورد (۳۲).

فقر روستایی، امکان و توان بهره‌برداری صحیح و پایدار از منابع طبیعی همچون جنگل‌ها و مراتع را از بین می‌برد و زمینه تشدید روند تخریب محیط‌زیست را فراهم می‌کند (۷). قشرهای فقیر روستایی به دلیل رشد جمعیت، دسترسی محدود یا گسترده به زمین‌های با کیفیت پایین و منابع محدود و اندک برای سرمایه‌گذاری و مدیریت پایدار منابع فشار فزاینده‌ای را به منابع طبیعی وارد می‌سازند (۳۱). فقر و توزیع نامتعادل درآمد مانعی بر سر راه اجرای بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌ها ایجاد می‌کند و تا زمانی که درآمد نامتوازن برقرار است و فقر گسترده و مزمن پابرجاست حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست از سوی اقشار فقیر با بی‌اعتنایی و یا حتی مخالفت‌هایی مواجه می‌شود (۱۶). داودی فارسانی و نوری‌پور (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین فقر اجتماعی- اقتصادی روستایی و تخریب مراتع شهرستان فارسان پرداختند و بر حسب نتایج، میزان تخریب مراتع توسط پاسخگویان فقیر به طرز معنی‌داری بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر بود. نتایج مطالعه سیداخلاقی و همکاران (۲۰۱۲) در ارتباط با بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر تخریب منابع طبیعی استان اردبیل از دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان حاکی از این بود که ۱۹ عامل اصلی در قالب سه گروه عوامل مربوط به دام و دامداری، عوامل مربوط به قطع و برداشت و عوامل مربوط به تغییرکاربری و طرح‌ها در تخریب منابع طبیعی استان مؤثر بوده‌اند. از جمع‌بندی نظرات بهره‌برداران و کارشناسان مشخص شد که گروه عوامل دام و دامداری ۴۵/۹ درصد، گروه قطع و برداشت ۲۰/۶ درصد و گروه تغییرکاربری‌ها و طرح‌ها ۳۳/۵ درصد در تخریب عرصه‌های منابع طبیعی مؤثر بوده‌اند. انصاری و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آنها در تخریب، نشان دادند که از نظر بهره‌برداران و کارشناسان، مهمترین عامل در تخریب منابع طبیعی کشور، عوامل مربوط به دام و دامداری شامل افزایش تعداد دام و دامدار، چرای بی‌رویه دام و تضادهای بین استفاده‌کنندگان از مراتع می‌باشد. وان‌نوردویجک[1] (۲۰۱۹)، در تحقیقی مدیریت یکپارچه منابع طبیعی را به عنوان مسیر کاهش فقر بیان کردند و شیوه‌های نوآورانه، نهادها و سیاست‌ها را در این زمینه تحلیل کردند. فیشر[2] و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که افراد فقیر از طریق تبدیل و تغییر کاربری اراضی مرتعی به کشاورزی موجب تخریب منابع طبیعی می‌شوند. احمد[3] (۲۰۱۲) در

[1]- van noordwijk
[2]- Fisher
[3]- Ahmad

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

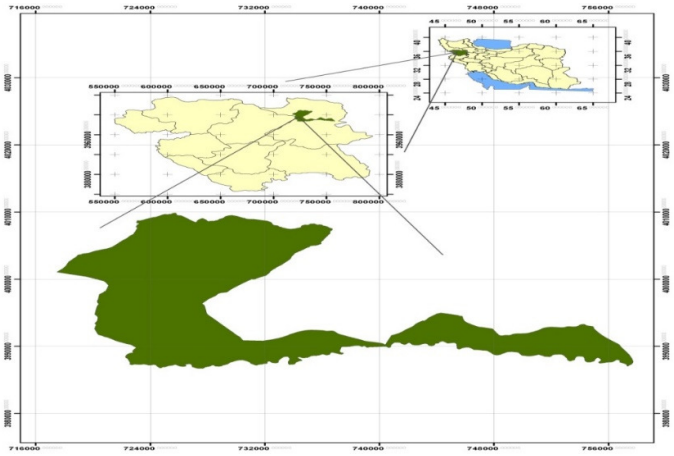
مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فقر و تخریب محیط‌زیست در ارتباط با رشد اقتصادی در هند پرداخت و به این نتیجه رسید که افزایش فعالیت‌های اقتصادی از قبیل کشاورزی و افزایش تولید باعث تخریب منابع طبیعی می‌شود. نتایج تحقیق نشان داد که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین فقر و تخریب منابع طبیعی وجود دارد و دلیل اصلی تخریب منابع طبیعی را فقر و عدم آگاهی نسبت به محدودیت منابع بیان کرد.

تقریبا تمامی برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران بخش منابع طبیعی کشور بر این نکته اتفاق نظر دارند که این منابع در حال زوال و تخریب هستند و با شیوه‌های کنونی بهره برداری، این روند همچنان ادامه خواهد داشت. عوامل مؤثر در این تخریب اگر چه کم و بیش شناسایی و معرفی شده اند اما این عوامل به‌طور دقیق و ریشه‌ای به‌ویژه در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است (۳). امروزه پیامدهای اقتصادی - اجتماعی رشد سریع جمعیت بیش از هر زمان دیگر موجبات تخریب منابع طبیعی تجدیدشونده از جمله جنگل‌ها و مراتع را فراهم آورده است. با توجه به اینکه عامل اصلی تخریب خود بهره‌برداران هستند، بنابراین قبل از انجام هر نوع برنامه اصلاحی باید مسائل اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در آن عرصه را شناخت و بر اساس این مسائل و مشارکت و همکاری خود بهره برداران برای هر منطقه برنامه‌ریزی کرد (۱۳). منطقه حفاظت‌شده بیجار یک منطقه مهم و دارای ارزش زیست‌محیطی در استان کردستان می‌باشد که عرصه‌های طبیعی آن به عنوان زیستگاه‌های طبیعی حیات وحش نیازمند حفظ و حراست می‌باشد و هر نوع تخریبی در عرصه‌های منابع طبیعی به زوال این اکوسیستم‌های ارزنده منجر خواهد شد. چنانچه، عوامل زیادی بر تخریب منابع طبیعی نقش دارند که در این بین، فقر نقش بارز و اساسی دارد. بنابراین در این پژوهش، نقش فقر اقتصادی و اجتماعی در تخریب مراتع و تشدید شرایط بیابانزایی در منطقه حفاظت‌شده بیجار در استان کردستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

منطقه حفاظت‌شده بیجار در استان کردستان و در شمال بیجار به طرف تکاب قرار گرفته است و مساحت آن ۳۱۶۱۲ هکتار است. رودخانه قزل‌اوزن حد جنوبی منطقه را طی می‌کند. ارتفاع حداکثر و حداقل منطقه به ترتیب ۲۱۸۷ و ۱۵۳۳ متر است (۱۰). متوسط بارش سالانه ۳۳۴ میلی‌متر و آب و هوای منطقه بر اساس روش آمبرژه نیمه‌خشک است. این منطقه شامل ۱۸ روستا می‌باشد که تعداد خانوارها در این محدوده به تعداد ۱۱۲۴ خانوار و جمعیت آن ۳۵۷۷ نفر می‌باشد که تعداد ۱۸۰۱ نفر آنها مرد و ۱۷۷۶ نفر زن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۱: موقعیت منطقه حفاظت‌شده بیجار در ایران و استان کردستان

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس هدف انجام تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش پیمایشی و اسنادی به گردآوری داده‌ها می‌پردازد. در روش میدانی، از پرسشنامه به منظور تعیین نقش فقر اقتصادی روستاییان و سرمایه اجتماعی در ارتباط با تخریب مراتع استفاده شد. پرسشنامه مشتمل بر ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد، دارایی‌های اقتصادی (درآمدها و هزینه‌های خانوار)، سرمایه‌های اجتماعی و مصادیق تخریب مرتع بود. پرسشنامه‌ها با استفاده از نظر متخصصان و کارشناسان و پس از حذف و اضافه کردن معیارها مورد تایید قرار گرفت. سپس پایایی یا قابلیت اعتماد آنها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ[1] محاسبه شد و پایایی پرسشنامه سرمایه‌های اجتماعی برابر ۰/۸۳ و پرسشنامه تخریب مراتع ۰/۷۹ به دست آمد که نشان از قابلیت اعتماد مناسب پرسشنامه‌های محقق ساخته داشت. در تعریف فقر، مفهوم مطلق یا نسبی بودن در نظر گرفته می‌شود و آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین افراد فقیر و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند که این آستانه خط فقر نامیده می‌شود (۵). خط فقر مطلق عبارت است از "مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره جامعه مورد بررسی برای تامین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و ...) لازم است و یا حداقل شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و ....) است که عدم تامین آن موجب می‌شود تا فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظرگرفته شود " این روش تعیین خط فقر را "روش نیازهای اساسی" نیز می‌گویند. خط فقر نسبی هم به صورت درصد معینی از درآمد جامعه (یا میانگین درآمد جامعه) و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود. در محاسبات مربوط به فقر، با توجه به وضعیت اجتماعی و کم‌گویی درباره درآمدها، استفاده از مخارج کل خانوار منطقی‌تر است (۸ و ۹). در این تحقیق، از روش اندازه‌گیری خط فقر براساس ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها استفاده شد. این روش که بر پایه مفهوم فقر نسبی استوار است، ابتدا میانگین مخارج محاسبه می‌شود، سپس در مرحله بعد، ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج (البته تعیین این درصد به صورت اختیاری و تجربی است) به عنوان خط فقردر نظر گرفته می‌شود (۵).

برای سنجش فقر و طبقه‌بندی افراد، با استفاده از فرم هزینه درآمد خانوار، کل هزینه‌های ماهیانه مربوط به هر خانوار، شامل هزینه‌های خوراکی و هزینه‌های غیرخوراکی مشخص شد. در مرحله بعد ۶۶ درصد میانگین مخارج کل خانوار محاسبه و تقسیم بر بعد خانوار شد و خط فقر سرانه به دست آمد. پس از تعیین خط فقر با مقایسه هزینه‌های ماهیانه، افراد فقیر و غیرفقیر تفکیک شدند و افراد دارای هزینه‌های کمتر از خط فقر، فقیر از لحاظ اقتصادی محسوب شدند. به منظور سنجش سرمایه اجتماعی نیز پرسشنامه محقق‌ساخته با مقیاس طیفی لیکرت استفاده شد و ۱۲ گویه در ارتباط با سرمایه اجتماعی ساکنین روستایی در منطقه مورد مطالعه تهیه و طراحی شد.

در ارتباط با تخریب مرتع نیز مصادیق تخریب مرتع با استفاده از پیشینه تحقیق و مرور مطالعات مشابه انجام شده و همچنین نظر خبرگان تعیین شد و بر اساس مقیاس طیفی لیکرت عوامل مربوط به دام و دامداری، عوامل مربوط به قطع و برداشت و عوامل تغییر کاربری در ارتباط با تخریب مرتع امتیازدهی شدند.

جامعه آماری در این پژوهش شامل ۱۱۲۴ خانوار روستایی ساکن در محدوده مورد مطالعه بودند که بر اساس فرمول کوکران[2] (رابطه ۱) و تطبیق با جدول کرجسی و مورگان[3]، ۲۸۷ خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به نسبت تعداد خانوار روستاها بین آنها تقسیم شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی با انتساب به کار گرفته شد (۱۴ و ۱۷).

(رابطه ۱)

$$n=\frac{\frac{z^2pq}{d^2}}{1+\frac{1}{N}\left[\frac{z^2pq}{d^2}-1\right]}=\frac{0.96/0.002}{1+0.34}=\frac{384.16}{1.34}=286.68$$

N= حجم جامعه آماری= ۱۱۲۴

[1]- Cronbach's alpha coefficient
[2]- Cochran formula
[3]- Krejcie and Morgan

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

n= حجم نمونه

Z= مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد، که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱/۹۶ می‌باشد.

P = مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است. اگر در اختیار نباشد می‌توان آن را ۰/۵ در نظر گرفت. در این حالت مقدار واریانس به حداکثر مقدار خود می‌رسد.

q= درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند. $(q=1-p)$ که برابر ۰/۵ است.

d= مقدار اشتباه مجاز= ۰/۰۵

در فرمول فوق معمولاً حداکثر اشتباه مجاز (d) معادل ۰/۰۵، ضریب اطمینان ۰/۹۵، t= ۱/۹۶ و مقادیر p و q نیز هرکدام معادل ۰/۵ و حجم جامعه = N در نظر گرفته می‌شود. مقدار P برابر با ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود. زیرا اگر P= ۰/۵ باشد n به حداکثر مقدار ممکن خود رسیده و سبب بزرگی نمونه به حد کافی می‌شود (۲۸).

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، از روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین و انحراف معیار به منظور برآورد توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی، فقر، سرمایه اجتماعی و تخریب مراتع استفاده شد. جهت بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر از آزمون‌های t جفتی و کای اسکوئر استفاده شد و به منظور تحلیل ارتباط تخریب مراتع با فقر ساکنین روستاهای موردمطالعه از آزمون t جفتی استفاده شد. همچنین جهت بررسی رابطه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با سرمایه اجتماعی ساکنین روستایی و نیز همبستگی سرمایه اجتماعی با تخریب مراتع از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار $SPSS_{16}$ انجام گرفت.

نتایج

باتوجه به نتایج به‌دست آمده، ۸۴/۳ درصد بهره‌برداران مشارکت‌کننده در پژوهش مرد بودند. اکثریت بهره‌برداران مورد مطالعه با تعداد ۹۵ نفر (۳۳/۲ درصد) در محدوده سنی ۳۱-۴۰ سال قرار داشتند. ۹۳/۷ درصد افراد مورد مطالعه متاهل بودند. ۳۶/۹ درصد افراد مورد مطالعه دارای تحصیلات زیردیپلم بودند و ۳۵/۵ درصد آنها سواد نداشتند. در ۵۲/۳ درصد موارد، بعد خانوار ۱-۳ نفر بوده است و در ۲۸/۲ درصد خانوارها، بعد خانوار بیشتر از ۴ نفر بود. اکثریت افراد (۸۸/۹ درصد) کشاورز و دامدار بودند و درآمد ماهانه اکثریت ساکنین منطقه مورد مطالعه بین ۱/۶ تا ۲ میلیون تومان بوده است. در ۱۹۶ خانوار (۶۸/۳ درصد خانوارها)، نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار، کمتر از نصف تعداد بعد خانوار یا به عبارت دیگر در محدوده ۰-۰/۵۰ قرا داشتند (جدول ۱).

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

جدول ۱: تعداد و درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بهره‌برداران

ردیف	ویژگی فردی	طبقه‌بندی	تعداد	درصد
۱	جنسیت	مرد	۲۴۲	۸۴/۳
		زن	۴۵	۱۵/۷
۲	سن	۳۰-۲۰	۳۰	۱۰/۴
		۴۰-۳۱	۳۵	۱۲/۲
		۵۰-۴۱	۹۵	۳۳/۲
		۶۰-۵۱	۷۷	۲۶/۸
		بیشتر از ۶۰ سال	۵۰	۱۷/۴
۳	وضعیت تاهل	مجرد	۱۸	۶/۳
		متاهل	۲۶۹	۹۳/۷
۴	سطح تحصیلات	بیسواد	۱۰۲	۳۵/۵
		زیردیپلم	۱۰۶	۳۶/۹
		دیپلم	۴۳	۱۵
		دانشگاهی	۳۶	۱۲/۶
۵	بعد خانوار (نفر)	۳-۱	۱۵۰	۵۲/۳
		۴	۵۶	۱۹/۵
		بیشتر از ۴	۸۱	۲۸/۲
۶	شغل اصلی	کشاورزی و دامداری	۲۵۵	۸۸/۹
		کارمند	۵	۱/۷
		آزاد	۱۰	۳/۵
		بیکار	۱۷	۵/۹
۷	درآمد ماهانه (میلیون تومان)	کمتر از ۱	۱۰	۳/۵
		۱/۵-۱/۱	۹۰	۳۱/۴
		۶-۱/۲	۱۰۶	۳۶/۹
		بیشتر از ۲	۸۱	۲۸/۲
۸	نسبت افراد درآمد زا به بعد خانوار	۰-۰/۲۵	۴۰	۱۳/۹
		۰/۰-۲۶/۵۰	۱۵۶	۵۴/۴
		۰/۰-۵۱/۷۵	۸۱	۲۸/۲
		۰/۱-۷۶	۱۰	۳/۵

بر حسب یافته‌ها، میانگین هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی به ترتیب حدود ۵۷۸ و ۶۶۷ هزار تومان و میانگین هزینه کل ۱ میلیون و ۲۴۵ هزار تومان برآورد شده است (جدول ۲).

جدول ۲: وضعیت هزینه‌های ماهانه خوراکی، غیرخوراکی و هزینه کل خانوار (هزار تومان)

وضعیت هزینه	انحراف معیار± میانگین	حداقل	حداکثر
خوراکی (هزار تومان)	۵۷۷/۹ ۱۱۴±/۱۰	۴۰۰	۹۰۰
غیرخوراکی (هزار تومان)	۶۶۶/۷ ۱۳۴±/۷۰	۴۰۰	۱۰۰۰
کل (هزار تومان)	۱۲۴۴/۶ ۲۳۵±/۸۱	۸۰۰	۱۹۰۰

به منظور تفکیک افراد فقیر و غیرفقیر، از خط فقر نسبی و برای محاسبه آن، از روش ۶۶ درصد میانگین کل هزینه ماهانه خانوار استفاده شد. مطابق نتایج تحقیق، خط فقر سرانه ۲۱۳۰۰۰ تومان برآورد شد. بنابراین، با توجه به مقایسه هزینه‌های کل ماهیانه با خط فقر، ۲۴/۷ درصد افراد زیر خط فقر و فقیر تشخیص داده شدند و ۷۵/۳ درصد بهره‌برداران نیز بالاتر از خط فقر قرار داشتند (جدول ۳).

جدول ۳: وضعیت فقر بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه

وضعیت فقر	تعداد	درصد
فقیر	۷۱	۲۴/۷
غیرفقیر	۲۱۶	۷۵/۳
کل	۲۸۷	۱۰۰

نتایج حاصل از آزمون تی‌استیودنت نشان داد که میانگین سنی بهره‌برداران فقیر حدود ۵۳ سال و افراد غیرفقیر حدود ۴۶ سال است که این اختلاف در سطح ۱ درصد معنادار بود. همچنین بین بعد خانوار و نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

با فقر بهره‌برداران ارتباط معنادار مشاهده شد طوری که در روستاییان فقیر، بعد خانوار بیشتر و نسبت افراد درآمدزا کمتر است. اما درآمد ماهانه در بین دو قشر فقیر و غیرفقیر تفاوت آماری معناداری نداشت (جدول ۴).

جدول ۴: مقایسه میانگین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

متغیر	انحراف معیار± میانگین		آماره t	سطح معناداری
	پاسخگویان فقیر	پاسخگویان غیرفقیر		
سن	۵۳/۳ ۱۲±/۲۱	۴۶/۸ ۱۰±/۹۳	۴/۲۴۰**	۰/۰۰۰۱
بعد خانوار	۶ ۰±/۹۲	۳/۱۷ ۰±/۹۹	۲۱/۲۷۹**	۰/۰۰۰۱
درآمد ماهانه (تومان)	۱۷۶۴/۸ ۴۰۲±/۹	۱۷۵۶/۹ ۴۸۹±/۶	۰/۱۳۵ns	۰/۸۹۳
نسبت افراد درآمدزا	۰/۴۰ ۰±/۲۰	۰/۵۱ ۰±/۱۴	-۴/۴۷۸**	۰/۰۰۰۱

*: در سطح ۵٪ معنی‌دار **: در سطح ۱٪ معنی‌دار ns : عدم وجود ارتباط معنی‌دار

با توجه به نتایج بین فقر بهره‌برداران و سطح تحصیلات آنها ارتباط آماری معناداری مشاهده شد چنانچه بیشترین میزان فقر در افراد بیسواد و سپس بهره‌برداران دارای تحصیلات دانشگاهی ملاحظه شد (جدول ۵).

جدول ۵- مقایسه میانگین سطح تحصیلات بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

متغیر	تعداد (درصد)				X^2	معنی‌داری
	بیسواد	زیردیپلم	دیپلم	دانشگاهی		
فقیر	۴۱ (۴۰/۲)	۲۰ (۱۸/۹)	۲ (۴/۶)	۸ (۲۲/۲)	۲۴/۴۹۳**	۰/۰۰۰۱
غیرفقیر	۶۱ (۵۹/۸)	۸۶ (۸۱/۱)	۴۱ (۹۵/۴)	۲۸ (۷۷/۸)		

*: در سطح ۵٪ معنی‌دار است. **: در سطح ۱٪ معنی‌دار است.ns : عدم وجود ارتباط معنیدار

همچنین نتایج مقایسه میانگین وضعیت شغلی پاسخگویان فقیر و غیرفقیر در منطقه مورد مطالعه نشان داد که بین شغل روستاییان و فقر آنها ارتباط آماری معناداری وجود دارد و ۷۸ درصد کشاورزان و دامداران غیرفقیر بوده و بالاتر از خط فقر نسبی قرار دارند و تمامی افراد دارای شغل آزاد و کارمند بالای خط فقر قرار داشتند (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه میانگین وضعیت شغلی پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

متغیر	تعداد (درصد)				X^2	معنی‌داری
	کشاورز و دامدار	کارمند	آزاد	بیکار		
فقیر	۵۶ (۲۲)	۰ (۰)	۰ (۰)	۱۵ (۸۸/۲)	۴۲/۸۰۰**	۰/۰۱۶
غیرفقیر	۱۹۹ (۷۸)	۵ (۱۰۰)	۱۰ (۱۰۰)	۲ (۱۱/۸)		

*: در سطح ۵٪ معنی‌دار **: در سطح ۱٪ معنی‌دار ns : عدم وجود ارتباط معنیدار

نتایج حاصل از اولویت‌بندی و میانگین گویه‌های سرمایه اجتماعی نشان داد که مهم‌ترین سرمایه اجتماعی از دیدگاه بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه اعتماد به اعضای خانواده با میانگین رتبه‌ای ۴/۱۰ می‌باشد و پس از آن کمک به همسایگان در فعالیت‌های روستایی و اعتماد به خویشاوندان و همسایگان به ترتیب با میانگین‌های ۳/۹۹ و ۳/۵۶ می‌باشد. همچنین میانگین کل سرمایه اجتماعی ۳/۱۲ می‌باشد که تا حدودی بالاتر از حد متوسط قرار دارد (جدول ۷).

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

جدول ۷: اولویت‌بندی سرمایه‌های اجتماعی

ردیف	گویه‌ها	انحراف معیار± میانگین	ضریب تعییرات	اولویت
۱	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی روستایی	۱±/۳۳ ۳/۱۴	۰/۴۲	۶
۲	اعتماد به خویشاوندان و همسایگان	۰±/۸۶ ۳/۵۶	۰/۲۴	۳
۳	عضویت و شرکت در تعاونی‌ها و گروه‌های روستایی	۱±/۳۴ ۲/۹۱	۰/۴۶	۸
۴	اعتماد به نهادها و سازمان‌های موجود	۱±/۳۰ ۲/۹۵	۰/۴۴	۷
۵	احساس امنیت در محل زندگی و سکونت	۱±/۲۳ ۳/۴۰	۰/۳۶	۴
۶	معاشرت و برقراری ارتباط با خویشاوندان و همسایگان	۱±/۲۴ ۳/۲۶	۰/۳۸	۵
۷	اعتماد به اعضای خانواده	۰±/۸۳ ۴/۱۰	۰/۲۰	۱
۸	کمک به همسایگان در فعالیت های روستایی	۰±/۸۱ ۳/۹۹	۰/۲۰	۲
۹	احساس همدلی و اتحاد با هم روستائیان	۰±/۹۵ ۲/۷۴	۰/۳۵	۱۰
۱۰	اعتماد به رهبران محلی	۰±/۹۸ ۲/۲۴	۰/۴۴	۱۲
۱۱	حضور در انجمن‌های محلی روستایی مانند شورا و ...	۰±/۸۷ ۲/۲۶	۰/۳۸	۱۱
۱۲	دسترسی به فرصت‌های اجتماعی مانند تحصیل و اشتغال و ...	۱±/۲۷ ۲/۸۶	۰/۴۴	۹
	کل	۰±/۷۳ ۳/۱۲	۰/۲۳	

تحلیل ارتباط بین میانگین سرمایه اجتماعی و متغیرهای دموگرافی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سن، بعدخانوار، درآمد ماهانه خانوار و سطح تحصیلات با سرمایه اجتماعی همبستگی معناداری وجود ندارد اما بین نسبت افراد درآمدزا در خانوار و سرمایه اجتماعی در سطح ۵ درصد همبستگی و ارتباط معناداری وجود دارد (جدول ۸).

جدول ۸: همبستگی و ارتباط ویژگی‌های جمعیت شناختی با میانگین سرمایه اجتماعی بهره‌برداران

متغیر	ضریب همبستگی	معنی‌داری
سن	۰/۱۰۸^{ns}	۰/۰۶۷
بعد خانوار	۰/۰۰۳^{ns}	۰/۹۶۴
درآمد ماهانه (تومان)	-۰/۰۴۰^{ns}	۰/۵۰۵
نسبت افراد درآمدزا	-۰/۱۳۰*	۰/۰۲۸
سطح تحصیلات	-۰/۰۷۴^{ns}	۰/۲۱۴

*: در سطح ۵٪ معنی‌دار**: در سطح ۱٪ معنی‌دار. ns : عدم ارتباط معنیدار

طبق نتایج، بین شغل اصلی ساکنین روستایی و سرمایه اجتماعی آنها ارتباط آماری معناداری مشاهده نشد (جدول ۹).

جدول ۹: مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی روستاییان بر اساس وضعیت شغلی

متغیر	انحراف معیار± میانگین				F	معنی داری
	کشاورز و دامدار	کارمند	آزاد	بیکار		
سرمایه اجتماعی	۰±/۷۴ ۳/۱۳	۰±/۲۳ ۲/۸۳	۰±/۶۲ ۲/۹۲	۰±/۸۷ ۳/۱۵	۰/۵۳۴^{ns}	۰/۶۵۹

*: در سطح ۵٪ معنی‌دار**: در سطح ۱٪ معنی‌دار. ns : عدم ارتباط معنی‌دار

مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی بهره‌برداران بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر در جدول ۱۰ نشان داد که بین بهره‌برداران فقیر و غیرفقیر از لحاظ سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد هر چند که در پاسخگویان غیرفقیر تا حدودی میانگین سرمایه اجتماعی بیشتر بود.

جدول ۱۰: مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی بهره‌برداران بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

مولفه	انحراف معیار± میانگین		آماره t	سطح معناداری
	پاسخگویان فقیر	پاسخگویان غیرفقیر		
سرمایه اجتماعی	۰±/۶۵ ۳/۰۴	۰±/۷۶ ۳/۱۴	-۱/۰۶۸^{ns}	۰/۲۸۷

*: در سطح ۵٪ معنی‌دار**: در سطح ۱٪ معنی‌دار. ns : عدم ارتباط معنی‌دار

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

اولویت‌بندی مصادیق تخریب مرتع در منطقه مورد مطالعه از دیدگاه بهره‌برداران نشان داد که از نظر ساکنین روستاهای منطقه مورد مطالعه، تبدیل مرتع به اراضی زراعی، چرای طولانی دام و رقابت در چرای دام با میانگین‌های ۴/۱۴، ۳/۶۲ و ۳/۲۴ به ترتیب مهم‌ترین علل تخریب مراتع در منطقه حفاظت‌شده بیجار هستند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: اولویت‌بندی مصادیق تخریب منابع طبیعی

ابعاد	گویه‌ها	انحراف معیار± میانگین	ضریب تعییرات
عوامل مربوط به دام	افزایش تعداد دام	۲/۹۲ ۱±/۱۱	۰/۳۸
	چرای زودرس دام	۳/۱۹ ۱±/۰۸	۰/۳۴
	چری سنگین دام	۲/۷۷ ۱±/۱۵	۰/۴۱
	چرای طولانی دام	۳/۶۲ ۱±/۲۷	۰/۳۵
	رقابت در چرای دام	۳/۲۴ ۱±/۳۷	۰/۴۲
عوامل مربوط به قطع و برداشت	بوته کنی جهت سوخت	۲/۴۲ ۱±/۱۷	۰/۴۸
	برداشت محصولات فرعی مرتعی	۲/۹۳ ۱±/۳۸	۰/۴۲
	برداشت و ذخیره به منظور آذوقه زمستانی	۳/۱۷ ۱±/۳۳	۰/۴۷
عوامل مربوط به تغییر کاربری	تبدیل مرتع به اراضی زراعی	۴/۱۴ ۰±/۹۹	۰/۲۳
	تبدیل به کاربری عمرانی مانند احداث منازل مسکونی و تفریحی	۲/۴۹ ۱±/۰۰	۰/۴۰

یافته‌های تحقیق نشان داد بین دیدگاه بهره‌برداران فقیر و غیرفقیر در ارتباط با عوامل مربوط به دام و تغییر کاربری و همچنین تخریب کل مراتع اختلاف آماری معناداری وجود دارد و از دیدگاه بهره‌برداران فقیر، تاثیر این عوامل در تخریب مراتع منطقه مورد مطالعه بیشتر است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲: مقایسه میانگین تخریب مرتع بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

متغیر	انحراف معیار± میانگین		آماره t	سطح معناداری
	پاسخگویان فقیر	پاسخگویان غیرفقیر		
عوامل مربوط به دام	۳/۳۳ ۰±/۵۲	۳/۰۹ ۰±/۵۳	۳/۹۲۰**	۰/۰۰۱
قطع و برداشت	۲/۹۹ ۰±/۷۶	۲/۷۹ ۰±/۷۷	۱/۸۸۵ns	۰/۰۶۰
تغییر کاربری	۳/۵۶ ۰±/۷۸	۳/۲۴ ۰±/۶۴	۳/۲۰۰**	۰/۰۰۲
تخریب کل	۳/۲۸ ۰±/۳۲	۳/۰۳ ۰±/۴۱	۵/۲۴۴**	۰/۰۰۰۱

*: در سطح ۵٪ معنی‌دار**: در سطح ۱٪ معنی‌دار. ns : عدم ارتباط معنیدار

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با همبستگی میانگین سرمایه اجتماعی با تخریب مرتع از دیدگاه بهره‌برداران در جدول ۱۳ نشان داده شده است که مطابق آن، بین عوامل مربوط به قطع و برداشت، عوامل مربوط به دام و تخریب کل با سرمایه اجتماعی بهره‌برداران همبستگی و ارتباط معناداری وجود دارد. چنانچه از دیدگاه بهره‌برداران با سرمایه اجتماعی بیشتر، عوامل مربوط به دام و قطع و برداشت تاثیر بیشتری در تخریب مراتع داشته است (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: همبستگی میانگین سرمایه اجتماعی بهره‌برداران با دیدگاه آنها در ارتباط با عوامل تخریب مرتع

متغیر	ضریب همبستگی	معنی‌داری
عوامل مربوط به دام	۰/۱۶۳**	۰/۰۰۶
قطع و برداشت	۰/۵۹۲**	۰/۰۰۰۱
تغییر کاربری	-۰/۱۱۳ns	۰/۰۵۵
تخریب کل	۰/۴۰۴**	۰/۰۰۰۱

در سطح ۵٪ معنی‌دار**: در سطح ۱٪ معنی‌دار. ns : عدم ارتباط معنیدار

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، اثرات فقر اقتصادی و سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در تخریب مراتع منطقه حفاظت‌شده بیجار مورد بررسی قرار گرفته است. طبق نتایج تحقیق، ۲۴/۷ درصد بهره‌برداران منطقه حفاظت‌شده بیجار از لحاظ اقتصادی فقیر تشخیص داده شدند. در تحقیق افتخاری و کرمی (۲۰۱۴) ۳۲/۳ درصد افراد مورد مطالعه در مناطق روستایی کهگیلویه و بویراحمد زیر خط فقر قرار داشتند و در مطالعه داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۲۰۱۷) حدود ۱۴ درصد از بهره‌برداران مراتع بخش مرکزی شهرستان فارسان زیر خط فقر قرار داشتند که کمتر از درصد افراد فقیر در تحقیق حاضر می‌باشد که احتمالا به دلیل تفاوت نمونه‌های مورد مطالعه در موقعیت‌های جغرافیایی مختلف و همچنین افزایش هزینه‌های زندگی با گذشت زمان در تحقیق حاضر می‌باشد.

در منطقه حفاظت‌شده بیجار، تخریب مراتع در سه بعد دام و دامداری، قطع و برداشت و تغییر کاربری از دیدگاه بهره‌برداران بررسی شد و بر اساس دیدگاه آنها، تبدیل مرتع به اراضی زراعی، چرای طولانی دام و رقابت در چرای دام به ترتیب مهم‌ترین علل تخریب مراتع بودند. امروزه عرصه‌های منابع طبیعی به‌عنوان یک عامل تولیدی جهت رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه؛ در معرض تهدید تغییر کاربری قرار دارند (۱۵). رودگرمی و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر در تخریب منابع طبیعی استان تهران، مهمترین عامل تخریب را تغییر کاربری اراضی منابع طبیعی به کاربری‌های عمرانی و زراعی تشخیص دادند که با نتایج تحقیق حاضر مطابقت دارد. در تحقیق قاسمی و همکاران (۲۰۱۶)، متغیر تأثیر بهره‌برداری گروهی، تغییر کاربری اراضی، رقابت در افزایش تعداد دام و فقر مالی و کاهش درآمد، بیشترین تأثیر را بر کاهش سطح مراتع قشلاقی شهرستان جویبار مازندران داشته است. مفیدی‌چلان (۲۰۲۰)، مساحت اندک مراتع روستایی دامنه‌های جنوبی سهند درنتیجه تغییر کاربری به اراضی کشاورزی را به عنوان عاملی موثر در کاهش سطح پایداری نظام دامداری سنتی ذکر کرده است. نتایج مطالعه سیداخلاقی و همکاران (۲۰۱۲) در اردبیل، نقش عوامل مربوط به دام و دامداری در تخریب مراتع را مهم‌تر ارزیابی کرد که در تحقیق حاضر در اولویت اول قرار ندارد. همچنین در تحقیق رئوفی‌راد و همکاران (۱۳۹۵)، تعداد دام مهم‌ترین عامل در آسیب‌پذیری اقتصادی مراتع ییلاقی شهرستان نطنز استان اصفهان معرفی شد. همچنین در تحقیقی، کنترل و نظارت مناسب بر مقادیر زمین‌های کشاورزی در کنار مراتع جهت جلوگیری از تخریب و تغییرات کاربری اراضی مرتعی به عنوان یک راهبرد اساسی در بهره‌برداری پایدار منابع طبیعی در میان جوامع محلی شهرستان کرمان معرفی شد (۳۰).

با توجه به نتایج تحقیق، میزان تخریب کل مراتع از دیدگاه بهره‌برداران فقیر به طور معناداری بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر بود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۲۰۱۷)، فیشر و همکاران (۲۰۱۴)، احمد (۲۰۱۲) و سوینتون[1] و همکاران (۲۰۰۳) مطابقت دارد. شریفی‌نیا و مهدوی‌حاجیلویی (۲۰۱۱) در بررسی نقش فقر اقتصادی و اجتماعی در تخریب محیط زیست در مراتع شیب‌آب زابل بیان کردند فقر اقتصادی و اجتماعی روستاییان از طریق عملکرد مستقیم (بوته‌کنی به منظور تأمین سوخت، فروش و ایجاد آغل) و غیرمستقیم انسان (نگهداری دام مازاد برظرفیت مرتع) سبب تخریب محیط‌زیست شده است.

در این تحقیق، با افزایش سن بهره‌برداران، فقر اقتصادی به طور معناداری افزایش یافت و این موضوع نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ فعالیت روستاییان با کسب درآمد آنها می‌باشد و در صورت افزایش سن و رسیدن به سن بازنشستگی و عدم توانایی انجام کارهای فیزیکی، شرایط اقتصادی آنها نامناسب می‌شود. این بخش از یافته‌ها با نتایج مطالعات داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۲۰۱۷) و عمرانی و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

همچنین بر اساس نتایج، در بهره‌برداران فقیر، بعد خانوار به طور معناداری بیشتر است که با نتایج البرز و همکاران (۲۰۰۷) و رحیمی و محمدی (۲۰۰۷) مطابقت دارد. با افزایش تعداد افراد خانوار هزینه‌های زندگی بیشتر شده و به خصوص اینکه در سالیان اخیر و با توسعه ارتباطات

[1]- Swinton

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

و جوامع روستایی، تغییراتی در نحوه زندگی روستاییان رخ داده است و بر خلاف گذشته، تعداد بیشتر افراد در خانواده به منزله کار کردن تمام یا اکثریت افراد نیست و در مواردی نیز تعدادی از فرزندان خانواده‌ها در محیط شهری و در حال تحصیل هستند و یا اینکه در روستا پس از اتمام تحصیلات، تمایل و انگیزه‌ای جهت فعالیت در محیط روستایی ندارند. همچنین در این تحقیق، بین شغل روستاییان و فقر آنها ارتباط آماری معناداری یافت شد و افراد بیکار درصد فقر اقتصادی بیشتری را نشان دادند که با نتایج البرز و همکاران (۲۰۰۷) و داودی‌فارسانی و نوری‌پور (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

در تحقیق حاضر، میانگین کل سرمایه اجتماعی در حد متوسطی بود چنانچه اعتماد به اعضای خانواده، کمک به همسایگان در فعالیت‌های روستایی و اعتماد به خویشاوندان و همسایگان به ترتیب مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی بهره‌برداران بودند. همچنین مطابق نتایج، از دیدگاه بهره‌برداران با سرمایه اجتماعی بیشتر، میزان تخریب مراتع بیشتر بود. در تحقیق لوین[1] (۲۰۱۵) نشان داده شد که در صورت کاهش سرمایه‌های اجتماعی و ضعف اعتمادی آنها به همدیگر یا سازمان‌ها، معیشت تضعیف شده و درآمد کشاورزی آنها کاهش می‌یابد. همچنین ویوپر و ساور[2] (۲۰۱۶) نشان دادند که بهره‌برداران دارای سرمایه‌های اجتماعی بیشتر ،کارآمدی بیشتر و شرایط بهتری را تجربه کرده‌اند.

فقر اقتصادی و اجتماعی در روستاها در کنار احساس مالکیت بی‌حد و حصر روستاییان، زمینه تخریب مراتع و تغییر کاربری آنها را فراهم می‌کند که متعاقب این تخریب و کم‌بازده شدن اراضی مرتعی، زمینه فقر اقتصادی بیشتر بهره‌برداران فراهم می‌گردد که این شرایط، پیامدهای اقتصادی-اجتماعی مانند مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و بیکاری و یا شغل‌های کاذب را به دنبال دارد. بنابراین با استناد به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود در منطقه مورد مطالعه، کلاس‌های آموزشی-ترویجی برای بهره‌برداران در زمینه رعایت ظرفیت چرای مراتع، زمان صحیح چرای دام و اصول صحیح بهره‌برداری از مراتع برگزار شود تا شرایط برای حفاظت از مراتع و بهبود وضعیت اقتصادی ساکنین روستایی فراهم شود. نیاز هست که توضیح و توجیه لازم بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه در زمینه پیامدهای تغییر کاربری اراضی مرتعی مانند فرسایش و رسوب، کاهش توان و بازدهی زمین‌ها و متعاقبا تشدید فقر توسط کارشناسان و سازمان‌های اجرایی ذیربط انجام گیرد. همچنین تنوع معیشتی و ایجاد شغل‌های سازگار با طبیعت و همچنین حمایت‌های مالی دولتی مانند اعطای تسهیلات و وام‌های مقرون به صرفه جهت تبدیل و تغییر دامداری سنتی به صنعتی و پربازده جهت ارتقای وضعیت درآمدی بهره‌برداران و تخریب کمتر مراتع موثر می‌باشد.

References

1. Ahmad, M. F., 2012. India's economic development: nexus between poverty and environmental degradation. International Journal of Scientific & Technology Research, 1(5): 61-66.
2. Alborz, M., S. Eftekhari & M. Ganjali, 2007. Determining factors on people's probability of poverty using an ordinal cumulative logistic model. Social Welfare, 6(24): 125-139 (in Persian).
3. Amiri Lemar, M & A. Moradmand Jalali, 2015. Factors affecting the degradation of natural resources (Case study: basin 9 of Shafaroud). Forest Sustainable Development, 1(4): 309-320 (in Persian).
4. Ansari, N., S. J. Sayed Akhlaghi & M. H. Ghasemi, 2009. Determination of socio-economic factors on natural resources degradation of Iran. Iranian Journal of Range and Desert Research, 15(4): 508-524 (in Persian).
5. Arzroumchilar, N., 2005. Different aspects of poverty in Iran. Economic Studies Series No 27. Economic Policies and Research Office, Central Bank of the Islamic Republic of Iran (in Persian).
6. Badripour, H., 2010. The role of people in rangeland. 4th national conference on range and range management, Institute of Forests and Rangelands Research Publications, Tehran, 414p (in Persian).
7. Bhattacharya, H & R. Innes, 2006. Is there a nexus between poverty and environment in rural India. American Agricultural Economics Annual Meeting.

[1]- Levien

[2]- Wuepper & Sauer

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

8. Davoodi Farsani, E & M. Nooripoor, 2017. The relationship between rural economic poverty and rangelands degradation the case of central district of Farsan county. Strategic Research on Social problems in Iran, 5(4): 69-78 (in Persian).
9. Eftekhari, S. F & A. Karami, 2014. Investigating factors affecting poverty in rural areas of Kohgiluyeh and Boyerahmad province. Agricultural Economics: Iranian Journal of Agricultural Economics (Economics and Agriculture Journal), 8(1): 139-156 (in Persian).
10. Farajollahi, A., M.A. Zare Chahouki, H. Azarnivand, R. Yari & B. Gholinejad, 2012. The effects of environmental factors on distribution of plant communities in rangelands of Bijar protected region. Iranian Journal of Range and Desert Research, 19(1): 108-119 (in Persian).
11. Fisher, J. A., G. Patenaude, K. Girl, K. Lewis, P. Meir, P. Pinho, M. Rounsevell & M. Williams, 2014. Understanding the relationships between ecosystem services and poverty alleviation: A conceptual framework. Ecosystem Services, 7: 34-45.
12. Ghasemi, M., G. Haydari, S. Rastgar & N. Kouhestani, 2016. Investigating effective socio-economic factors on destruction and low-leveling of rangelands (case study: Winter Rangelands of Joybar-Mazandaran Province. Journal of Plant Ecosystem Conservation, 3(8):49-62 (in Persian).
13. Gholampour, K., J. Mahmoudi, K. Ahmadi & M. Barati, 2012. Study of economic and social factors influencing on rangelands degradation in Eshtehard. Karaj, Natural Ecosystems of Iran, 3(1): 75-84 (in Persian).
14. Heydari, N & B. Arayesh, 2015. Research of economic poverty and election attitude; a case study: Islamic Azad University students in Elam Province. Political Science Quarterly, 11(30): 165-184 (in Persian).
15. Jahanifar, K., H. Amirnejad, Z, Abedi & A. Vafaeenejad, 2017. Economic and environmental feasibility of rangeland conversion to other land uses in East of Mazandaran province. Journal of Rangeland Science, 11(2): 207-221 (in Persian).
16. Karami Movafagh, S., 2016. Investigating the relationship between Poverty, Income Inequality and environmental destruction in Iran, M.Sc. thesis in Economic Development and Planning, Bu-Ali Sina University (in Persian).
17. Khorasani, M & M. Mohammadi, 2020. Spatial analysis of rural poverty in Kouhdasht County, Spatial Planning, 2020, in press (in Persian).
18. Levien, M., 2015. Social capital as obstacle to development: rokering land, norms, and trust in rural India. World Development, 74, 77-92.
19. Mofidi Chelan, M., 2020. Analyzing sustainability level of Traditional Livestock keeping System dependent on Rural Rangeland in south aspects of Sahand Mountain (Case study: Maragheh county, Chelan-e Sofla Village). Journal of Rangeland Science, 14(2): 313-324 (in Persian).
20. Mousavi, S. P., 2016. Investigating the impact of socioeconomic factors on rangeland degradation: A case study in Mamasani, M.Sc. thesis in Agricultural Management, Marvdasht Branch (in Persian).
21. Nasimi, A., 1999. Necessity of transformation in applied agriculture, Ministry of Agriculture, Institute of Agricultural Planning and Economic Research, Economic and Social Research, Tehran, 357p (in Persian).
22. Omrani, M., Z. Farajzadeh & M. Dahmardeh, 2010. Analyzing poverty determinants and welfare changes among rural households of Sistan district. Journal of agricultural Economics Research, 1(2): 21-42 (in Persian).
23. Pourtaheri, M., H. Talebi & A. Roknoddin Eftekhari, 2011. Analysis of economic and social effective factors on rural poverty alleviation with emphasize on nutritional poverty, case study: Khalejestan District in Qom Province. MJSP, 15 (2):61-80 (in Persian).
24. Rahimi, M & H. Mohamadi, 2007. Analysis of poverty and welfare changes of rural Iran. Social welfare, 6 (24):105-124 (in Persian).
25. Raufirad, V., G. Heidari, H. Azadi & J. Ghorbani, 2017. Socio-economic vulnerability assessment of rangeland's users: The case of highlands of Natanz County, Isfahan. Rangeland, 10(3): 348-363 (in Persian).
26. Roudgarmi, P., N. Ansari & E. Farahani, 2011. Determining effective socio-economic factors on degradation of natural resources in Tehran province. Iranian Journal of Range and Desert Research, 18(1): 151-171 (in Persian).

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]

27. Salahi Esfahani, G., A. Iranshahi, A. Ghaffari & S.R. Taleshi, 2018. Spatial analysis of rural poverty in rural settlements of Pakdasht county using spatial autocorrelation methods. Urban Management, 51: 107-128 (in Persian).
28. Sarmad, Z., A. Bazaragan & A. Hajazi, 2014. Research Methods in Behavioral Sciences, Publication of Agah, 408p (in Persian).
29. Sayed Akhlaghi, S. J., N. Ansari & S. Yusof Kalafi, 2012. Investigation of socio-economic factors on natural resources degradation of Ardebil province from the viewpoint of utilizers and experts. Iranian Journal of Range and Desert Research, 19(1): 133-148 (in Persian).
30. Savari, M., H. Eskandari & L. Avazpoor, 2019. Strategies for sustainable use of rangelands applicable for local Communities Case of: Kerman County. Rangeland, 13(2): 319-336 (in Persian).
31. Scherr, S.J., 2000. A downward spiral? Research evidence on the relationship between poverty and natural resource degradation. Food Policy, 25(4), 479-498.
32. Sharifinia, Z & M. Mahdavi, 2011. The role of social and rural economic poverty in the environment destruction (case study: the surveyed pasture of Shoorrood in Shibab district of Zabol township). Human Geography Research Quarterly, 43 (76): 67-84 (in Persian).
33. Swinton, M., S. Escobar & T. Reardon, 2003. Poverty and environment in Latin America: concepts, evidence and policy implications. World Development, 31(11): 1865- 1872.
34. Van Noordwijk, M., 2019. Integrated natural resource management as pathway to poverty reduction: Innovating practices, institutions and policies. Agricultural Systems, 172, 60-71.
35. Wuepper, D & J. Sauer, 2016. Explaining the performance of contract farming in Ghana: The role of self-efficacy and social capital. Food Policy, 62, 11-27
36. Zeller, M., S. Manohar, H. Carla & L. Cecile, 2006. An operational method for assessing the poverty outreach performance of development policies and projects: results of case studies in Africa. World Development, 34(3): 446-464.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1399.14.4.3.7]